نگاه روز

نگاهی به لایحه جدید کنگره امریکا برای رصد کردن برنامه هسته‌ای و موشکی ایران

افزایش قدرت کنگره در مقابل توافق با ایران

دکتر احمد ترابی

سناتورهای امریکایی آقای لیندسی گراهام Lindsey Graham از ایالت کارولینای جنوبی و آقای باب منندز Bob Menendez از ایالت نیوجرسی که رییس کمیته روابط خارجی مجلس سنای امریکا نیز هست اخیرا لایحه‌ای مشترک را برای تصویب مجلسین این کشور (مجلس نمایندگان و مجلس سنا) ارایه داده‌اند که در صورت تصویب، قانونی دیگر به مجموعه قوانین ضد ایران اضافه می‌شود و راه را حتی در صورت توافق کنونی هسته‌ای حداقل برای توافق‌های احتمالی در حوزه‌های مختلف دیگر سخت‌تر می‌کند. عنوان لایحه جدید قانون رصد کردن قابلیت تسلیحات هسته‌ای ایران Iran Nuclear Weapons Capability Monitoring Act of ۲۰۲۲ است اما در متن لایحه چنانچه خواهم گفت فعالیت‌های موشکی و حتی سایر فعالیت‌های ایران نیز ذکر شده است. این لایحه یک کار گروه Task Force مشترک به رهبری وزارت امور خارجه برای نظارت و گزارش منظم به کمیته‌های مربوطه کنگره در مورد تسلیحات هسته‌ای و فعالیت‌های موشکی ایران ایجاد می‌کند. این گزارش یافته‌های حیاتی Critical Findings در سه دسته فعالیت‌های موشک‌های بالستیک ایران، فعالیت‌های تسلیحاتی و تحقیقات هسته‌ای مخفی را تشریح خواهد کرد. البته براساس این لایحه نظارت می‌تواند در زمینه‌های دیگر هم صورت بگیرد اما سه موردی که ذکر شدند زمینه‌های اصلی مشمول لایحه هستند.

آقای لیندسی گراهام سناتور ارشد جمهوری‌خواه در بیان این لایحه گفته که ضروری است که دولت ایالات متحده روی نظارت بر آنچه وی جاه‌طلبی‌های هسته‌ای ایران خواند متمرکز بماند. تصویب این قانون همچنین مستلزم آن است که گزارش‌های لازم از سوی آژانس‌های مربوطه در مورد وضعیت خواسته‌های هسته‌ای ایران در چندین زمینه کلیدی به کنگره امریکا گزارش شود. سناتور گراهام اضافه کرده است که بهترین راه برای رهبران امریکا برای قضاوت درست در مورد ایران، داشتن جدیدترین و معتبرترین اطلاعات موجود است و قانون جدید در عین حال دولت امریکا را ملزم به همکاری با متحدان منطقه‌ای امریکا مانند اسراییل می‌کند.

اما یک سخن آقای گراهام هم قابل توجه است که گفته است مهم نیست در مورد مذاکرات هسته‌ای ایران چه اتفاقی می‌افتد، ما باید مانند یک شاهین بر برنامه هسته‌ای ایران نظارت کنیم. سناتور گراهام همچنین از همکاری با سناتور منندز سناتور حزب دموکرات و رییس کمیته روابط خارجی مجلس سنا در مورد آماده کردن این طرح قدردانی کرده، زیرا او مدافع قابل اعتماد و استوار اسراییل و مخالف رژیم ایران است. از سوی دیگر آقای باب منندز سناتور ارشد حزب دموکرات نیز ضمن ابراز خوشحالی از همکاری با حزب جمهوری‌خواه برای آماده کردن این طرح گفته است که با توجه به برنامه‌های موشکی ایران و سرپیچی آن کشور در مواجهه با سرزنش‌های بین‌المللی، کنگره امریکا بایستی به‌روزترین اطلاعات را درباره فعالیت‌های هسته‌ای و موشک‌های بالستیک ایران دریافت کند و تلاش برای مقابله با تهدیدات ناشی از اقدامات ایران دقیقا همان کاری است که این لایحه مشترک انجام خواهد داد.

راه اجرایی تصویب این قانون به همراه اظهارنظر دو سناتور ارشد جمهوری‌خواه آقای لیندسی گراهام و آقای باب منندز سناتور ارشد حزب دموکرات نشانگر آن است که تا حدود زیادی دولتمردان امریکا به ویژه در حوزه قانونگذاری آن کشور امیدی به انجام توافق در حوزه‌های مختلف با ایران ندارند یا اگر امیدی هم داشته باشند در واقع خود را برای فردای با چالش‌های بیشتر با جمهوری اسلامی ایران آماده می‌کنند. از طرفی بررسی دقیق‌تر این لایحه نیز نکات مهم‌تری را مطرح می‌سازد که نشان از آن دارد که اگرچه ساختار اجرایی امریکا ممکن است امیدوار به انعقاد توافق با ایران داشته باشد ولیکن دیگر نهادهای ساختاری امریکا به ویژه در حوزه قانونگذاری سعی می‌کنند که ساختار اجرایی را نیز به تبعیت از نهادهای تقنینی در مسیری قرار بدهند که در حوزه‌های مختلف توافق امکان مانور کمتری داشته باشد و ملزم باشد که امور اجرایی مرتبط با ایران را نیز با کنگره هماهنگ سازد. در این مقاله رئوس مهم لایحه جدید مشترک دو حزب جمهوری‌خواه و حزب دموکرات را شرح می‌دهم و اثرات این لایحه را در صورت قانون شدن آن توضیح خواهم داد.

قسمت اول- رئوس مهم لایحه جدید

لایحه مشترک حزب جمهوری‌خواه و حزب دموکرات در هفت ماده تنظیم شده است و در آن به تفصیل به تک‌تک فعالیت‌های هسته‌ای و موشکی ایران اشاره شده است. در قسمت اول به رئوس مهم این لایحه اشاره می‌کنم.

۱- دلایل ارایه این لایحه بدون اشاره به برجام

در ماده دوم Section ۲ این لایحه به پروژه آماد AMAD (عماد) در ایران اشاره شده است و بیان شده که پروژه آماد ایران در اواخر دهه هشتاد شروع شده و هدف از آن توسعه سلاح‌های هسته‌ای بوده است. ماده دوم سراسر به بیان دقیق تاریخچه روند وقایع مربوط به گسترش پروژه هسته‌ای ایران از جمله روند افزایش غنی‌سازی اورانیوم در هر مرحله و همچنین روند آزمایش‌های موشکی ایران پرداخته است. در این ماده همچنین حمله پهپادها به کشور امارات از سوی حوثی‌ها به ایران نسبت داده شده است و در ادامه همچنین به بیان چگونگی صدور قطعنامه‌های مختلف شورای امنیت علیه ایران پرداخته است. لیکن ماده ۲ علی‌رغم بیان کلیه جزییات روند تحولات مربوط به برنامه هسته‌ای ایران از پذیرش برجام توسط ایران و انجام تعهدات برجامی توسط ایران و سپس نقض برجام توسط رییس جمهور ترامپ سخنی به میان نیاورده است گویی اصولا نه برجامی وجود داشته است، نه ایران تا چندین سال تعهدات برجامی‌اش را به انجام رسانیده است و نه در نهایت آقای ترامپ امریکا را از این توافق خارج کرده است. در واقع به نظر می‌رسد که ماده ۲ این لایحه که تاریخچه برنامه هسته‌ای ایران را مفصلا شرح می‌دهد عمدا قانونگذاران امریکایی را که ممکن است از سیر تحولات مربوط به برنامه هسته‌ای ایران بی‌خبر باشند یا اطلاعات کافی نسبت به آن نداشته باشند همچنان در بی‌خبری از سیر تحولات برجام و نقض تعهدات برجامی توسط امریکا قرار می‌دهد و در واقع شرح حال درستی از وقایع امور به قانونگذاران و تصمیم‌سازان امریکا نمی‌دهد.

در ماده ۳ این لایحه به برداشت کنگره از خطرات موجود برنامه هسته‌ای ایران اشاره شده است و به ویژه در بند ۲۸ که آخرین بند این ماده محسوب می‌شود به برداشتن دوربین‌های IAEA توسط ایران اشاره شده است و آن را نقض تعهدات ایران نسبت به آژانس محسوب نموده است.

۲- برداشت لایحه از تحولات هسته‌ای و موضوعات گزارش‌های ارایه شده به کنگره

ماده سوم لایحه به برداشت آن از تحولات هسته‌ای ایران اختصاص دارد. در این ماده اشاره شده است که بنابر شواهدی که وزارت امور خارجه و سازمان‌های اطلاعاتی امریکا در اختیار دارند ایران قصد توسعه برنامه هسته‌ای و موشکی خودش را دارد و جمهوری اسلامی دارای سلاح هسته‌ای تهدیدی جدی برای امریکا، اسراییل و متحدین و دیگر شرکای امریکا خواهند بود. در ماده پنجم این لایحه پیش‌بینی شده است که وزیر امور خارجه امریکا بایستی یک کارگروه مشترک برای تجمیع و ترکیب تلاش‌ها برای نظارت و ارزیابی فعالیت‌های تسلیحاتی ایران تشکیل بدهد. اعضای اصلی این کارگروه از وزارت امور خارجه، وزارت دفاع، وزارت انرژی، شورای امنیت ملی، آژانس اطلاعاتی امریکا (CIA) خواهند بود ضمن اینکه اعضای دیگری می‌توانند توسط رییس این کارگروه که وزیر امور خارجه است به تناسب منصوب بشوند.

براساس ماده ۶ این لایحه وزیر امور خارجه مکلف است براساس مشورت با کارگروه مشترک هر ۱۲۰ روز یک‌بار تا دسامبر ۲۰۲۸ گزارش فعالیت‌های هسته‌ای ایران را به کنگره گزارش کند. گزارش مورد نظر لیستی موسع از موضوعاتی را اشاره می‌کند که مهم‌ترین آنها شامل شرح و مکان جریان فعالیت چرخه سوخت هسته‌ای برای تولید مواد شکاف‌پذیر، فعالیت‌های تحقیق و توسعه انواع سانتریفیوژها، تعداد سانتریفیوژهای به کار گرفته شده، آبشارهای غنی‌سازی و ایزوتوپ‌های پایدار، بازفرآوری سوخت مصرف شده، استخراج ایزوتوپ‌های پزشکی از اورانیوم غنی شده، فعالیت‌های مربوط به طراحی یا ساخت رآکتورها، ساخت و ساز رآکتورهای آب سنگین، می‌باشند. همچنین گزارش بایستی شامل ارزیابی فعالیت‌های مرتبط با تسلیحات هسته‌ای که در تاسیسات تحت کنترل وزارت دفاع و ارتش ایران و سایر سازمان‌های وابسته به نیروهای مسلح انجام می‌شود باشد. یک بند از این ماده هم مقرر می‌کند که در صورت پیشرفت قابل توجه در قابلیت‌های تسلیحات هسته‌ای یا توانایی موشکی ایران، این کارگروه موظف خواهد بود تا ظرف ۷۲ ساعت گزارشی فوری به کنگره ارایه کند. منظور از بیان گسترده این موارد آن است که تدوین کنندگان لایحه از هر دو حزب امریکا به دقت تمامی موارد مرتبط به موضوعات مربوط به ایران را شناسایی و در لایحه خود گنجانیده‌اند و مقرر کرده‌اند که هر گزارش کارگروه مشترک بایستی شامل ارزیابی‌های لازم نسبت به موارد مختلف نیز باشد. بنابر این لایحه جدید برخلاف قوانین گذشته ناظر به یک موضوع خاص مرتبط با ایران نیست بلکه تقریبا در برگیرنده کلیه موضوعاتی است که به‌زعم تدوین کنندگان لایحه می‌تواند به نوعی تهدید برای امریکا تلقی بشود.

۳- راهبرد دیپلماتیک امریکا برای رفع تهدیدات موشکی و هسته‌ای ایران

در ماده هفتم این لایحه به راهبرد دیپلماتیک امریکا برای آنچه که رفع تهدیدات موشکی و هسته‌ای ایران نامیده شده اشاره شده است و از جمله به وزیر امور خارجه امریکا تکلیف شده است که تا حداکثر ۳۰ روز پس از ارایه گزارش موضوع ماده ششم در رابطه با فعالیت‌های هسته‌ای و موشکی ایران طرح دیپلماتیک و استراتژی جامعی را برای مشارکت با متحدین و شرکای امریکا به کنگره ارایه نماید.

طرح مزبور بایستی شامل شرح تلاش‌های ایالات متحده برای مقابله با تلاش‌های جمهوری اسلامی ایران به نفوذ سیاسی و نظامی در خاورمیانه، پاسخ امریکا به افزایش تهدید سلاح‌های هسته‌ای و همچنین پاسخ به توسعه فعالیت‌های موشکی توسط ایران باشد. طرح مزبور همچنین بایستی متضمن توصیف یک رویکرد هماهنگی کل سازمان‌های دولت امریکا در سطح فدرال برای استفاده از ابزارهای سیاسی، اقتصادی و امنیتی برای رسیدگی به چنین فعالیت‌های توصیف شده ایران باشد و موجب حضور دیپلماتیک ایالات متحده در خاورمیانه و همچنین یک طرح جامع برای تعامل با متحدان و شرکای منطقه‌ای در سطح کلی و چندجانبه و طراحی مجمعی برای رسیدگی به چنین فعالیت‌های توصیف شده ایران باشد.

قسمت دوم- تفاوت این لایحه با قوانین قبلی امریکا برای مقابله با ایران

اگرچه آنچه در حال حاضر وجود دارد فقط لایحه‌ای است که به کنگره برای تصویب ارایه شده اما به نظر می‌رسد که این لایحه احتمالا به تصویب نمایندگان هر دو مجلس خواهد رسید و لذا می‌توان از هم‌اکنون (در صورتی که تحولی خاص در روابط دو کشور پدید نیاید) آن را به عنوان قانونی در امتداد قوانین دیگر امریکا برای مقابله با ایران قلمداد کرد.

مجموعه قوانین ضد ایران در حوزه‌های مختلف نظام حقوقی ایالات متحده زیاد هستند و غیر از قوانین مصوب کنگره شامل فرامین اجرایی ریاست جمهوری هم هستند اما تاثیرات آن قوانین متفاوت هستند. برخی از نظر شدت دارای تاثیرات کم و برخی از نظر شدت دارای تاثیرات زیاد هستند. برخی حوزه‌های وسیع‌تری را شامل می‌شوند و برخی نیز از نظر وسعت محدوده کمتری را در بر می‌گیرند. اگرچه قوانین تحریمی امریکا پس از پیروزی انقلاب و سپس بحران اشغال سفارت امریکا آغاز شد ولیکن اوج این تحریم‌ها و در واقع نظام‌مندی این تحریم‌ها از دهه ۹۰ میلادی شروع شده و اجرای این تحریم‌ها باعث شده تا کلاف سردرگمی در روابط بین ایران و امریکا شکل بگیرد به نحوی که برای دولتمردان امریکایی نیز عبور از آنها ساده نخواهد بود. اما در عین حال به عنوان یک اصل کلی باید توجه داشت که هر زمان کنگره امریکا در موضع قانونگذاری علیه ایران وارد شده است موضع دولت امریکا علیه ایران سختگیرانه‌تر بوده است. اصولا بایستی متذکر شوم که قوانین مصوب کنگره به علت اینکه قانون و لازم‌الاجرا هستند قدرت و نفوذ بیشتری در سیستم اجرایی امریکا دارند و در اینجا ابتدا به دو قانون مهم اشاره می‌کنم که تاثیرات فراگیر و مهمی را در اعمال تحریم‌های امریکا داشته و دارند و اتفاقا بانیان اصلی آنها سناتورهای حزب دموکرات بوده‌اند.

۱- قوانین آیسا و سیسادا

قانون آیسا (Iran Sanctions Act ISA) در سال ۱۹۹۶ تصویب شد و در ایران به قانون داماتو معروف است. آیسا در واقع اولین قانون تحریمی مصوب کنگره علیه ایران در نظام حقوقی امریکا است که به‌طور سیستماتیک بخش‌های مشخص از اقتصاد ایران را هدف قرار می‌دهد. این قانون در ابتدا محدود به پنج سال بود و چندین‌بار تمدید شد. اما در نهایت در یک دسامبر ۲۰۱۶، برای ده سال دیگر تمدید شده است. به موجب ماده ۵ قانون تحریم ایران هرگونه سرمایه‌گذاری بیش از ۲۰ میلیون دلار در سال برای توسعه بخش نفت و گاز در ایران توسط هر شرکتی در دنیا ممنوع است. با این توصیف و بنابر قانون آیسا سرمایه‌گذاری‌ها در حوزه نفت و گاز ایران به‌شدت محدود می‌شود. نکته قابل توجه اینکه حتی در دوران ریاست‌جمهوری آقای جورج بوش که از تندروترین روسای جمهور امریکا در مقابل ایران محسوب می‌شد، وی سعی کرد تا تاثیرات این قانون را کاهش دهد و حتی در زمانی که در سال ۲۰۰۱ قانون را برای تمدید مجدد به او ارایه دادند، وی برای دلجویی از متحدان اروپایی و شرکت‌های اروپایی که در حوزه‌های نفتی و انرژی ایران فعال بودند از کنگره خواست تا مدت تمدید را از پنج سال به دو سال کاهش بدهند که کنگره با درخواست این رییس جمهور محافظه‌کار موافقت نکرد.

مثال دیگر تصویب قانون سیسادا است که تصویب آن در دوره ریاست‌جمهوری آقای اوباما و به اتفاق و همفکری سناتورهای حزب دموکرات و حزب جمهوری‌خواه صورت گرفت. پیشنهاد تصویب این قانون از سوی آقای هوارد برمن Howard Lawrence Berman سناتور دموکرات ایالت کالیفرنیا و رییس کمیته خارجی مجلس نمایندگان، خانم رز لتینن Ileana Ros-Lehtinen سناتور جمهوری‌خواه ایالت فلوریدا، آقای کریستوفر داد Christopher Dodd سناتور دموکرات ایالت کنتیکت و آقای ایوان بای Evan Bayh سناتور دموکرات از ایالت ایندیانا صورت گرفت که درنهایت منجر به تصویب قانون تحریم‌های جامع ایران Comprehensive Iran Sanctions, Accountability, and Divestment Act موسوم به سیسادا CISADA در ژوئن سال ۲۰۱۰ شد. این قانون توسعه تحریم‌های قانون داماتو ۱۹۹۶ بود و به دنبال تصویب قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت علیه ایران صورت گرفت. قطعنامه ۱۹۲۹ در واقع شدیدترین فشارها بر ایران را در ۴ حوزه توسعه بخش انرژی، جلوگیری از دسترسی ایران به منابع مالی برای توسعه برنامه‌های موشکی و هسته‌ای، ایجاد یک نظام بازرسی از کشتی‌ها و محموله‌های هوایی ایران و همچنین به وجود آوردن یک سیستم یکپارچه برای اعلام نقض تحریم‌های بین‌المللی وارد کرد. قانون سیسادا در امریکا تکمیل کننده همان قطعنامه ۱۹۲۹ بود و کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی را که به بخش‌های مختلف پتروشیمی و نفت و گاز ایران کمک می‌کنند را نیز مورد تحریم قرار می‌دهد. اما به نظرم موثرترین قسمت این قانون ماده ۱۰۴ آن است که با عنوان، تحریم‌های اجباری نسبت به موسسات مالی که در معاملات معین شرکت می‌کنند

Mandatory Sanctions with respect to Financial Institutions that engage in certain Transactions

نگاشته شده و مقرر داشته است که دولت امریکا این اختیار را دارد تا در صورت مبادله بانکی هر موسسه مالی در سطح بین‌المللی با یکی از شخصیت‌های حقوقی و حقیقی تحت تحریم در ایران ارتباط آن موسسه را با نظام مالی امریکا قطع کند. این موضوع هم‌اکنون نیز یکی از موضوعات چالش برانگیز و مهم‌ترین موانع ارتباط بین بانک‌های بین‌المللی و ایران قلمداد می‌شود. در این قانون همچنین مقرر شده است شرکت‌هایی که به ایران بنزین و دیگر فرآورده‌های نفتی به فروش برسانند از حضور و شرکت در بازار امریکا محروم خواهند شد و همچنین ممکن است به پرداخت جریمه نقدی معادل ۲۵۰ هزار دلار و تا ۲۰ سال زندان محکوم شوند. در عین حال منع خریداری نفت از شرکت‌های نقض کننده تحریم‌ها برای ذخایر راهبردی امریکا پیش‌بینی شده است. لازم به ذکر است که وزارت خزانه‌داری امریکا یکی از نهادهای مهم اجرایی در ساختار این کشور است که به صورت اتوماتیک به اجرای قوانین مصوب کنگره برای اعمال تحریم‌ها می‌پردازد.

۲- تصویب لایحه جدید و حیطه و گستره آثار آن

به نظر می‌رسد در صورتی که لایحه مشترک سناتورها آقایان گراهام و منندز به تصویب کنگره برسد و صورت قانون به خودش بگیرد نهادها مسوول در ساختار اجرایی ناگزیر خواهند بود که به تبعیت از قانون مسوولیت جمع‌آوری و پردازش اطلاعات جمع‌آوری شده در حوزه‌های مختلف هسته‌ای، امنیتی و انرژی ایران را برعهده بگیرند. موارد مهم مواد این لایحه که آن را از سایر قوانین مربوط به ایران متمایز و تا حدودی برجسته می‌سازد به شرح زیر است:

۱- در لایحه جدید برای پرهیز از موازی‌کاری نهادهای اطلاعاتی و امنیتی و دفاعی در امریکا یک کار گروه مشترک ایجاد شده است و بنابر این می‌توان گفت که هدف لایحه اخیر آن است که کلیه اطلاعات قانونی و دستورات اجرایی مرتبط با ایران را دسته‌بندی و پردازش کند و آن را در اختیار کار گروه مشترک قرار بدهد. به عبارتی اگر قوانین قبلی به ویژه قوانین آیسا و سیسادا در حوزه‌های مشخصی تحریم اعمال کرده بودند که ممکن بود به دلیل ضعف اطلاعاتی یا موازی‌کاری اطلاعاتی عمل نشده باشند این لایحه در صدد جبران آن ضعف‌ها و پوشش دادن آنها است. لایحه به‌طور وضوح نشان می‌دهد که از نظر بانیان آن برای مقابله با ایران دیگر وجود یک میز در وزارت امور خارجه یا نهادهای دیگر کفایت نمی‌کند و فراتر از آن نیازمند کار گروه مشترکی است که بتواند فعالیت‌های جمهوری اسلامی ایران را تحت نظر بگیرد و گزارش تهیه کند و نتیجه گزارش را هم در اختیار کنگره قرار بدهد.

۲- در لایحه جدید تمرکز بر اجرای تحریم در حوزه مشخصی نیست بلکه بیشتر هدف آن تمرکز بر جمع‌آوری اطلاعات و پردازش آنها و تمرکز آنها در نهاد مربوطه است تا بتواند برای اجرای سایر قوانین تحریمی مورد استفاده قرار بگیرد و به عبارتی برای اجرای سایر قوانین تحریمی این لایحه جدید (در صورت تصویب) به کمک آن قوانین خواهد آمد و به این ترتیب عملا مهم‌ترین نهادهای اجرایی را برای اجرای قوانین مصوب قبلی هماهنگ می‌سازد.

۳- یک تحلیل هم در صورت تصویب این لایحه آن است که اگر لایحه صورت قانون به خودش بگیرد قدرت کنگره حتی در صورت توافق هسته‌ای جاری امریکا با ایران افزایش می‌یابد و امکان مانور بیشتری را پیدا می‌کنند و عملا حضور خودشان را برای اجرای هر گونه توافقی با ایران الزام‌آور می‌سازند و به هر نهاد دارای قدرت اجرایی از جمله دولت آقای بایدن یادآور می‌شوند که در اجرای توافق فقط امضای توافق کافی نیست بلکه اشخاص ثالث دیگر یعنی کنگره نیز وجود دارد که با وجود این قانون و سایر قوانین تحریمی، اجرای این گونه توافق‌ها بیشتر و بیشتر وابسته به نظر سناتورهای کنگره هم می‌شود.

عبارت فیلی در خانه است The elephant in the room که استعاره‌ای است برای نشان دادن حضور و قدرت نفوذ اشخاص ثالثی که در یک معامله و توافق حضور ندارند شاید در این موضوع بتواند به کار برود که حداقل یک فیل موثر هر توافق با ایران که در مذاکرات حضور ندارد احتمالا قوانین مصوب کنگره آن کشور است.

خبر

واکنش‌های تند جمهوری‌خواهان علیه هجوم به عمارت ترامپ

اف‌بی‌آی منحل شود!

هجوم ماموران «سازمان تحقیقات فدرال» امریکا (اف‌بی‌آی) به عمارت لوکس «دونالد ترامپ»، رییس جمهور سابق امریکا، واکنش‌های تند جمهوری‌خواهان را به دنبال داشت. به گزارش خبرگزاری فارس، «لیدسی گراهام»، سناتور جمهوری‌خواه در مصاحبه با شبکه «فاکس نیوز» گفت: «هر جمهوری‌خواهی از جمله خودم، باید از دادستان کل بخواهیم بابت هجوم به منزل رییس جمهور سابق امریکا و نامزد احتمالی در سال ۲۰۲۴ توضیح ارایه کند.» این سناتور نزدیک به ترامپ خطاب به «مریک گارلند»، دادستان کل امریکا گفت: «باید به [مردم] این کشور توضیح بدهید که چرا این کار را کردید؟ چرا از احضاریه استفاده نکردید؟ این کار چه لزومی داشت و دنبال چه کوفتی بودید؟ خواسته زیادی است؟ می‌دانم که در حالت عادی چنین کاری نخواهید کرد، اما تحقیق از رییس جمهور سابق نیز کاری عادی نیست.» گراهام گفت: «آیا پذیرفتنی است که ۹۰ روز مانده به انتخابات میان‌دوره‌ای [کنگره] دنبال ترامپ بیفتید؟ امروز مسیر رییس جمهور ترامپ برای نامزد شدن بسیار عریض‌تر از دیروز است و احتمال انتخاب مجدد او از دیروز بیشتر است.» شخص ترامپ نیز در رسانه اجتماعی شخصی خود به اسم «حقیقت» اعلام کرد: «ما ملتی هستیم که به‌طور بی‌سابقه‌ای نهادهای مجری قانون را به سلاحی در برابر احزاب سیاسی مخالف تبدیل کرده‌ایم.» او همچنین گفت: «چنین حمله‌ای فقط در کشورهای ورشکسته جهان سومی رخ می‌دهد. متاسفانه امریکا یکی از این کشورها شده است و تا حدی فاسد شده که پیش از آن هرگز نظیرش دیده نشده بود.» رییس جمهور سابق امریکا افزود: «اینها سوءرفتار قضایی و استفاده از نظام قضایی مانند اسلحه است. این کار حمله‌ای از سوی چپ‌های افراطی دموکرات است که در استیصال برای ممانعت از شرکت من در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۴ هستند و هر کاری می‌کنند که محافظه‌کاران و جمهوری‌خواهان را در انتخابات میان‌دوره‌ای [کنگره] متوقف کنند.» «کوین مک کارتی»، رهبر اقلیت جمهوری‌خواه مجلس نمایندگان امریکا در پیامی توییتری نوشت: «زمانی که جمهوری‌خواهان مجلس نمایندگان را پس بگیرند، این وزارتخانه (دادگستری) را مورد تحقیق فوری قرار خواهیم داد، تمام اسناد را دنبال خواهیم کرد و سنگی باقی نمی‌گذاریم که زیرش را نگشته باشیم.» «مایک پامپئو»، وزیر امور خارجه دولت ترامپ و رییس پیشین «سازمان اطلاعات مرکزی» امریکا نیز در واکنشی گفت: «هنگامی که در فرماندهی بنغازی (در لیبی) کار می‌کردم، اثبات کردیم که هیلاری [کلینتون] اسنادی محرمانه را در اختیار دارد. ما به خانه او هجوم نبردیم.» «تد کروز»، سناتور تندروی ایالت تگزاس در بیانیه‌ای اعلام کرد: «این کار مفسدانه و سوءاستفاده از قدرت است. آنچه [ریچارد] نیکسون قصد داشت انجام دهد، بایدن اجرایی کرد: دولت بایدن وزارت دادگستری و اف‌بی‌آی را به سلاحی علیه دشمنان سیاسی تبدیل کرد. با استخدام ۸۷ هزار مامور جدید رسیدگی به درآمدهای داخلی، آنها سراغ شما نیز خواهند آمد.» «مت رینالدی»، رهبر جمهوری‌خواهان ایالت تگزاس نیز در پیام توییتری تندی نوشت: «اف‌بی‌آی را منحل کنید. بایدن و گارلند اف‌بی‌آی را به ابزاری سیاسی برای نفع رساندن به دموکرات‌ها و هدف قرار دادن هر کسی تبدیل کرده‌اند که علیه دستور کار افراطی آنها حرفی بزند.»

طرفداران ترامپ نیز صحنه را خالی نگذاشته و روز سه‌شنبه در واکنش به هجوم ماموران به خانه وی، به سمت این عمارت راهپیمایی به راه انداختند. علاوه بر این راهپیمایی‌ها، روز گذشته هشتگ «جنگ داخلی» در امریکا داغ شد.

در این میان اما «تد لیو»، نماینده دموکرات ایالت کالیفرنیا که مدیر جلسه استیضاح دوم ترامپ بود درباره هجوم اف‌بی‌آی به اقامتگاه ترامپ گفت: «این یک سابقه وحشتناک برای وزارت دادگستری محسوب می‌شود که علیه رییس جمهور سابق امریکا تحقیق کند.» او با این حال در دفاع از این اقدام گفت: «هیچ کس بالاتر از قانون نیست.»

«نانسی پلوسی»، رییس مجلس نمایندگان امریکا نیز درباره واکنش‌های جمهوری‌خواهان گفت: «انتظار دارید چه بگویند؟ وقتی بخواهند کسی را تضعیف کنند این کار همیشگی آنهاست.» او یادآوری کرد «کریستوفر رِی» رییس اف‌بی‌آی، توسط ترامپ منصوب شده است.

با این حال «تولسی گابارد»، عضو سابق و دموکرات مجلس نمایندگان امریکا در مصاحبه با «فاکس نیوز» گفت: «این اتفاقی است که هر امریکایی باید به شدت بابت آن نگران باشد، زیرا این هجوم، جدیدترین مورد از تشدید جدی روندی است که از سوءاستفاده از قدرت توسط افراد در قدرت دیده‌ایم که نه فقط برای محافظت از دوستان خودشان انجام می‌شود، بلکه برای هدف قرار دادن مخالفان سیاسی یا صادقانه بگویم، هر کسی که جرات کند کار دولت را به چالش بکشد یا با آن مخالفتی کرده یا حتی درباره آن سوال کند نیز استفاده می‌شود.» هجوم ماموران اف‌بی‌آی به عمارت «مارالاگو» واقع در ایالت فلوریدا پس از آن انجام شد که مسوولان رسیدگی به حمله هواداران ترامپ به ساختمان کنگره در سال ۲۰۲۱ اعلام کردند اسناد و مدارک مربوط به روزهای قبل و بعد از این حادثه در آرشیو ملی موجود نیست. از سوی دیگر گفته می‌شد ترامپ بخش زیادی از اسناد و مدارک دولتی را پس از خروج از کاخ سفید به منزل خودش برده بود. لحظه ورود ماموران به عمارت مارالاگو، ترامپ در این مکان حضور نداشت و به گفته رسانه‌های امریکایی در برج ترامپ به سر می‌برد. معترضان دموکرات روز سه‌شنبه با در دست گرفتن پلاکاردهایی علیه رییس جمهور سابق امریکا مقابل برج ترامپ تجمع کردند.